فهرست مطالب:

اشاره و مقدمه بحث: 3

1. تعریف و موضوع فقه تربیتی 3

2. تقسیم تکلیف به لحاظ مخاطب 3

3. تقسیم تکلیف به لحاظ متعلق 3

4. انواع تکالیف تربیتی خانواده 3

4.1. مکلف عام و خاص 3

4.2. وظایف مشترک و مختص خانواده 4

4.3. متعلق عام و خاص 4

سؤال: 5

پاسخ استاد: 5

شرایط تکالیف عام و خاص 5

انواع ادله از حیث عام و خاص بودن 5

فقه خانواده در خطبه نماز جمعه 6

ادله امربه‌معروف و نهی از منکر 6

1. آیه وقایه 6

1.1. ظهور امر بر وجوب 7

1.2. وقایه در امور الزامی 7

1.3. شمول حکم اولی، ثانوی و ولایی 7

1.4. وقایه خویش و خویشان 7

1.5. روش‌های وقایه 7

سؤال: 8

پاسخ استاد: 8

**اشاره و مقدمه بحث:**

بحث امربه‌معروف و نهی از منکر حاکمیتی را پشت سر گذاشتیم؛ رسیدیم به امربه‌معروف و نهی از منکر خانوادگی. برحسب اتفاق این بحث با خطبه‌های نماز جمعه قم یکی شده است. قبل از شروع به اصل بحث چند نکته مقدماتی را یادآوری می‌کنیم. پس موضوع بحث امربه‌معروف و نهی از منکر خانوادگی است.

**1. تعریف و موضوع فقه تربیتی**

در فقه‌التربیه به هر اقدامی که در مقام رشد، شکوفایی و تعالی و تغییر شخصیت دیگری در ابعاد مختلف علمی، دانشی، دینی، اخلاقی و ... انجام شود، می‌پردازیم. تربیت عبارت است از هر اقدامی که از مربی یا هرکسی صادر شود برای تغییر شخص دیگری. موضوع فقه تربیتی همین است. پس هر اقدامی که در یکی از ساحات وجودی متربی تأثیر بگذارد و به هدف تغییر در یکی از ابعاد وجودی متربی صادر شود، موضوع فقه تربیتی است.

**2. تقسیم تکلیف به لحاظ مخاطب**

تکالیف تربیتی از لحاظ مخاطب و مکلف تقسیم می‌شود به عام و خاص. گاهی تکلیف بر دوش مکلف عام (لا علی التعیین) گذاشته شده است و احیاناً با شرایطی و گاهی تکلیف متوجه مکلف خاص است که این مکلف خاص می‌تواند شخص، دولت، حاکم، عالم، خانواده، دوست و پدر و مادر و... باشد.

**3. تقسیم تکلیف به لحاظ متعلق**

همین تکالیف تربیتی از حیث عنوان و متعلق نیز تقسیم می‌شود به عام و خاص. تکالیفی عام مثل قوانین عام تربیت و هدایت که روش‌ها و شکل‌های گوناگون را در برمی‌گیرد. تکالیف خاص مثل انذار، تبشیر، امربه‌معروف و نهی از منکر و ...

بنابراین تکالیف تربیتی از حیث مکلف به عام و خاص و از حیث متعلق و عنوان نیز به عام و خاص قابل‌تقسیم است. عناوین عام و گسترده مانند هدایت و تربیت و عناوین خاص مثل امربه‌معروف و نهی از منکر.

**4. انواع تکالیف تربیتی خانواده**

**4.1. مکلف عام و خاص**

موضوع بحث ما تکالیف تربیتی خانواده است. تربیت در فضای خانواده و مرتبط با اعضای خانواده. این تکلیف نیز از دو حیث قابل‌تقسیم است؛ هم از حیث مخاطب و مکلف به عام و خاص تقسیم می‌شود؛ تکلیف عام به این است که تمام اعضای خانواده مکلف به تکلیف هستند و خاص بودن از این حیث است که برخی از اعضای خانواده مثلاً پدر و مادر مکلف هستند.

از حیث اینکه مکلفان به تربیت خانوادگی، در برابر چه کس یا کسانی وظیفه دارند، تکلیف قابل‌تقسیم است به: اول همه اعضای خانواده در برابر همدیگر (سایر اعضاء) مکلف هستند؛ و مکلف خاص به این است که مثلاً پدر و مادر در مقابل فرزندان و نیز فرزند در برابر برادران و خواهران مکلف هستند.

**4.2. وظایف مشترک و مختص خانواده**

بنابراین در خانواده دو دسته وظیفه قابل تصویر است:

**وظایف مشترک**: وظایفی است که همه اعضای خانواده به‌صورت مشترک نسبت به همدیگر مکلف به تکالیف هستند.

**وظایف خاص**: هر یک از اعضاء نسبت به سایر اعضای خانواده تکالیف و مسئولیت‌هایی دارند که متفاوت با وظایف دیگر اعضاء می‌باشد.

**4.3. متعلق عام و خاص**

تقسیم دیگر در فضای خانواده (عام و خاص) از جهت متعلق و عنوان تکلیف یا عام است و یا خاص. عنوان عام مانند قاعده وقایه «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا**»(تحریم/6)، وقایه شامل انذار، تبشیر، امرونهی و ... می‌شود. این آیه از مهم‌ترین آیات تربیت در حوزه خانواده است.

تکلیف خاص در خانواده مانند «**يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ**» (لقمان/21) و آیه‌ی «**وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا**» (طه/132) که عناوین خاص هستند.

پس تکلیف از حیث مکلف و نیز از حیث متعلق و عنوان به عام و خاص قابل‌تقسیم است. این دو تقسیم اگر در همدیگر ضرب شوند، صورت‌های مختلفی به وجود می‌آید. آیه وقایه عام است از دو جهت؛ هم از این جهت که همه‌ اعضای خانواده را مکلف می‌داند و تکلیف اختصاص به پدر و مادر ندارد و از طرف دیگر عنوان عام است و شامل همه روش‌ها و ساحت‌های تربیتی از قبیل عبادی، اعتقادی، اخلاقی و ... می‌شود. بر اساس آیه وقایه والدین نسبت به بچه‌ها مسئولیت دارند، بچه‌ها هم نسبت به والدین مسئولیت دارند و هکذا برادران و خواهران و ... همه نسبت به تربیت «خانواده و اهل خود» موظف به تکالیفی هستند. ادعای انصراف آیه به والدین را قبول نداریم.

قبلاً حدود چهل نکته در ذیل آیه وقایه بحث کردیم، جمع‌کردن و منظم کردن آن‌ها جزوه خوبی می‌شود. روایات ذیل آیه را در وسایل الشیعه[[1]](#footnote-1) «بَابُ وُجُوبِ أَمْرِ الْأَهْلِينَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهْيِهِمْ عَنِ الْمُنْكَر» ملاحظه نمایید.

**سؤال:**

مسئولیت خانواده آیا آن تکلیف عام را مورد تأکید بیشتر قرار می‌دهد یا تکلیف جداگانه است؟

**پاسخ استاد:**

این بحث عین همان بحثی است که در وظایف حکومت بیان شد. یک تکلیف عام متوجه همه مکلفان است و تکلیف خاص متوجه عده‌ای خاص شده است. خطاب خاص می‌تواند مثال و بیانگر مصداق آن تکلیف عام باشد و می‌تواند به حکم مستقل باشد. درستش این است که وظیفه خانواده، حکم مستقل است. در صورت جمع شدن با تکلیف عام، همان تکلیف مؤکّد می‌شود و به‌صورت مجزا هست.

**شرایط تکالیف عام و خاص**

البته شرایط تکلیف عام و خاص گاهی یکی است و گاهی متفاوت است. شرایط امربه‌معروف و نهی از منکر خانوادگی را بحث خواهیم کرد. بین تکلیف عام و خاص تفاوت وجود دارد، تفاوت‌ها را عرض خواهیم کرد.

**انواع ادله از حیث عام و خاص بودن**

ادله هر کدام مختلف است. گاه متعلق تکلیف عام است و گاهی خاص است مانند «**يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ**» (لقمان/21). مکلف هم گاهی عام و گاهی خاص است. گاهی از مکلف عام است و از حیث متعلق خاص است و بالعکس. به‌صورت خلاصه دسته‌بندی ادله از حیث عام و خاص بودن از این قرار است:

1) گاه دلیل از حیث متعلق خاص و از جهت مخاطب هم خاص است.

2) گاهی دلیل از حیث مکلف عام و از حیث نوع متعلق تکلیف هم عام است مانند وقایه

3) گاهی دلیل از جهت متعلق عام ولی از حیث مخاطب خاص است.

4) گاهی از حیث متعلق و عنوان خاص است ولی از حیث مخاطب عام است.

**فقه خانواده در خطبه نماز جمعه**

این‌ها مقدمات بحث بود که باید موردتوجه قرار گیرد. در خطبه نماز جمعه قم فقه خانواده را داریم پایه‌ریزی می‌کنیم. وظایف و حقوق خانواده یک بخش مهم آن است را به‌صورت علمی و دقیق در جمع عموم مردم قابل‌بیان نیست اما به‌صورت کلی اشاره می‌کنیم؛ اما اینکه نوع حکم آیا «الزام» است یا رجحان و دقت‌های ویژه در ادله و ... را نمی‌توان در آن جمع بیان کرد. فقط چارچوب کلی بحث را بیان می‌کنیم. در اینجا آن بحث را نمی‌گوییم بلکه امربه‌معروف و نهی از منکر خانوادگی را بیان می‌کنیم.

امربه‌معروف و نهی از منکر یک قاعده عامه دارد نسبت به همه مکلفان و یک قاعده خاصه دارد نسبت به حکومت و اینکه مردم نیز وظایفی دارند در برابر حکومت که ما غفلت کردیم و بیان نشد و یک قاعده امربه‌معروف و نهی از منکر خانوادگی داریم. این امربه‌معروف و نهی از منکر خانوادگی می‌تواند در منظومه فقه خانواده قرار بگیرد ولی فعلاً به‌صورت مستقل به امربه‌معروف و نهی از منکر می‌پردازیم.

**ادله امربه‌معروف و نهی از منکر**

**1. آیه وقایه**

«**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ**»(تحریم/6)

در این آیه عنوان امربه‌معروف و نهی از منکر نیامده است اما عنوان عامی است که شامل آن هم می‌شود. در این آیه چند نکته را مرور می‌کنیم. برای توضیح بیشتر به سلسله مباحث وظایف آموزشی و تربیتی خانواده مراجعه نمایید.

**1.1. ظهور امر بر وجوب**

امر در آیه وقایه ظهور در وجوب دارد. امر «قوا» الزامی است؛ به‌ویژه با توجه به تأکیدات و شدتی که در محتوای آیه وارد شده است.

**1.2. وقایه در امور الزامی**

متعلق این خطاب تکالیف الزامی است نه رجحانی. دستور داده که اقدام کنید نسبت به چیزی که فرد را اهل آتش می‌کند و آن عبارت است از واجبات و محرمات یعنی فقط انجام محرمات و ترک واجبات انسان را جهنمی می‌کند و وقایه نسبت به آن لازم است.

**1.3. شمول حکم اولی، ثانوی و ولایی**

مراد از واجبات و محرمات، تکالیف الزامی اولی، ثانوی و ولایی است. هر سه را شامل می‌شود زیرا هر سه نوع تکلیف دارای ثواب و عقاب است.

**1.4. وقایه خویش و خویشان**

وقایه در اینجا مفهوم عامی است که انواع روش‌ها را بالذات شامل می‌شود. انسان باید خویش و خویشان خود را از گناه و آتش جهنم نگهداری نماید. حفظ بالفعل متصور نیست بلکه آنچه متصور است این است که وقایه یعنی نگهداری از آنچه زمینه جهنمی شدن انسان ر فراهم می‌کند. وقایه از اسباب علل و مقدمات جهنمی شدن لازم است.

**1.5. روش‌های وقایه**

وقایه شیوه‌های مختلف دارد و ابزار و علل گوناگون دارد از قبیل یاددادن، نصیحت، امرونهی، اقدامات عملی و ... دست‌وپایش را ببندد. این قاعده شامل پیشگیری، روش‌های مستقیم و غیرمستقیم، آگاهی دادن، انذار، تبشیر، امرونهی و اینکه ابزار گناه را از دست فرد بگیرد، از او سلب اختیار نماید و ... را شامل می‌شود.

**سؤال:**

آیا تکلیف مقید شده است؟

**پاسخ استاد:**

در روایات قیودی ذکر شده است. در روایت آمده است که فردی گریه‌کنان آمد محضر رسول خدا (ص) و گفت من در مورد خودم مانده‌ام، حالا بار سنگین‌تری بر دوش من گذاشته شده که از توان من خارج است. حضرت فرمود: «**حَسْبُكَ‏ أَنْ‏ تَأْمُرَهُمْ‏ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ نَفْسَكَ وَ تَنْهَاهُمْ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ نَفْسَكَ**».[[2]](#footnote-2) حالا باید ببینیم که آیا مقید شده است یا خیر؟ انشاءالله فردا.

1. . وسائل الشيعة، ج‏16، ص: 147 [↑](#footnote-ref-1)
2. . وسائل الشيعة، ج‏16، ص: 147: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْن‏ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُذَافِرٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ ناراً- جَلَسَ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَبْكِي وَ قَالَ أَنَا عَجَزْتُ عَنْ نَفْسِي كُلِّفْتُ أَهْلِي فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص- حَسْبُكَ‏ أَنْ‏ تَأْمُرَهُمْ‏ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ نَفْسَكَ وَ تَنْهَاهُمْ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ نَفْسَكَ. [↑](#footnote-ref-2)